

فرمان رئیس جمهور مبنی بر ارجاع حکم محکمه به کمیسیون مستقل انتخابات

آنچه در وطن میگذرد هیچ هموطن با احساس را آرام گذاشته نمیتواند. بررسی عوامل دیروز و امروز، عوامل خارجی و داخلی و تمام مسایل و از جمله مناقشات بر سر انتخابات پارلمانی بحث عریض و طویل را ایجاب میکند. تأمین عدالت مطلق درین جهان بشری ناممکن است. آنچه انسان امروز در اختیار دارد و بصورت نسبی و احسن تأمین عدالت کرده میتواند بکار گیری وسیله ای جز گذاشتن اسناد و شواهد مشروع قانونی در ترازوی عدالت راه دیگر عادلانه تر وجود ندارد. یعنی اگر درین راستا جانب حق امکانات کافی و لازم بخرچ ندهد و جانب ناحق با نیرنگ و حقه بازی شواهد فریبنده ای به ترازوی عدالت گذاشت، محکمه و قاضی مکلف اند به اساس همان اسناد و شواهد مشروع که به پیشگاه محکمه ارایه و تقدیم میشوند قضاوت و حکم خویش را مستند سازد. حتی قاضی نمیتواند به فکر و استنباط شخصی خویش یا مستند به معلومات خارج از محکمه استناد و اصدار حکم نماید. بهمین دلیل سمبول ملکه عدالت که خانم بلند بالا با چشمان بسته و ترازوی عدالت در دست تمثیل شده گوینده این توضیح است. به یقین گفته میتوانم که محکمه خاص استیناف در مورد نتایج انتخابات در افغانستان نیز ازین اصل و قاعده مستثنی بوده نمیتواند.

مسلم است که دیموکراسی بدون حاکمیت قانون مردود است. انتخابات پارلمانی گذشته در افغانستان به اساس قانون؟ صورت گرفت که قانون نیست. به این علت که قانون نافذ انتخابات لغوه اعلان شد، قانون جدید انتخابات را پارلمان در سال اخیر خدمت خویش تغییر داده نمیتواند و فرمان تقنینی برای تصویب این قانون در مدت تدویر پارلمان و . . . مجاز نیست. اما انتخابات با اساس همین سند بنام قانون انتخابات با اساس فرمان تقنینی بدون مجوز قانونی تحمیل شد.

در کشوری که قانون انتخابات عملی نمیشود، از ارگانهای دولتی در انتخابات سوء استفاده صورت گرفت، پولهای سیاه و غیر شرعی در انتخابات بکار برده شده، سازمانهای استخبارات خارجی وسیعاً برای اهداف خویش گماشته های خویش را مساعدت مالی و تبلیغاتی کردند و از همه مهمتر که تذکره تابعیت معتبر و غیر قابل تزویر وجود نداشت و ندارد در چنین شرایط کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون سمع شکایات که از لحاظ ساختار انتخاب و برگزیدن شان این هر دو کمیسیون مستقل بوده نمیتوانست بوجود آمد و انتخابات درین شرایط و ناامنی های عینی و عمدی ایجاد شده در افغانستان با قوانین کاملاً ناقص صورت گرفت. مسؤولین سیاسی افراد غیر مشروع و در موارد غیر مسلکی که مشروعیت خویش را از حلقه استخباراتی اجنبی بدست آورده اند چطور میتوانند از نتیجه دیگر جز آن نتیجه ای که بوقوع پیوست انتظار دیگری داشت؟

مسلم است که دیموکراسی و نام دیموکراسی به ریشخند و تمسخر گرفته شده و برای مقاصد شوم آزمندان، زر اندوزان و نوکران منافع خارجی بکار گرفته شد.

به یقین که کمیسیون سمع شکایات با نواقص و خلاهایی که در بالا قسماً بان اشاره شد به هزارها شکایت باید رسیدگی میکرد. اما بصورت عینی از توان این کمیسیون بالا بود. هر ادعای مبنی بر اینکه کمیسیون سمع شکایات به شکایت بررسی و رسیدگی لازم کرده و یا کمیسیون انتخابات کار خویش را درست اجرا کرده، با تمام تلاش و با تمام صداقت هم اگر کرده باشد یک کار ناممکن و در نتیجه ادعای حق به حق دار رسیدن دروغ محض و فریبی بیش نبود.

نورمهای حقوقی و قانونی منطق خود را دارند و باید تسلسل منطقی داشته باشند.

کمیسیون مستقل انتخابات مانند یک کمیسیون مستقل در تصامیم خویش مستقل است. قضا و ارگان قضایی در قضاوت خویش مستقل اند. اما هیچ مرجع بشمول خود قضا و قاضی در صورت تخلف از قانون از سلطه و بررسی قضا میرا نیستند. (ماده ۱۲۰، ۱۲۱ و ۱۲۲ خاصاً ۱۲۲ قانون اساسی). لذا ادعای اینکه اجراءات کمیسیون مستقل انتخابات را محاکم مورد بررسی قرار داده نمیتواند مستند به ماده ۱۲۲ قانون اساسی کشور یک ادعای نادرست و غیر قانونی است. مسلم است که تمام تصامیم ارگانهای اداری باید توسط ارگان قضایی در صورت درخواست یکی از جوانب مورد بررسی قرار گرفته میتواند. حتی مراجع عدلی و قضایی کشور باید خود متشعبت بوده و وظیفه نظارت از تطبیق قانون را بجا آورند. مسلم اینست که بررسی و رسیدگی عدلی و قضایی بر قانونی بودن تصامیم از اجراءات اداری باید در

یک سطح بالا و عالی تر (استیناف) صورت گیرد. باین معنی که مرجع اولی و محکمه ابتدایه همان ارگان اداری شد و محکمه استیناف محکمه ایست که بخاطر این امر تخصیص داده میشود.

شناخت و تجربه من از قوانین و مسأله استیناف و مراغه خواهی بالترتیب از محکمه ابتدایه، استیناف، تمیز، حالات استثنایی ظهور دلایل جدید و محاکم بین المللی با تفاوت های جزئی در مسایل مختلف مدنی و جزایی چنین است:

محکمه ابتدایه حکم را صادر میکند مثلاً در مسأله جزائی و یا حقوقی مبنی بر برائت الذمه شخص (درمسأله جزائی). حکم محکمه قطعی است اما نهایی نیست. محکوم علیه و مدعی العموم میتوانند در همان مجلس که حکم صادر شده و یا در ظرف مدت معین مراغه طلبی و استیناف نمایند. بعد از استیناف موضوع با ذکر دلایل و یا بدون ذکر آن به محکمه استیناف میرود و محکمه استیناف در بعضی از کشورها حق دارد حکم مستقل را صادر و یا هم حکم اولی را تغییر و یا هم حکم خویش را به محکمه ابتدایه ضم قرار قضایی یکجا ارجاع نموده و درین قرار قضایی تعیین و رهنمایی کند که محکمه ابتدایه باید در کدام قسمت قضایا و کدام شواهد و جوانب قضیه غور و بررسی و باز نگری مجدد کند و یا کدام بخش ها را اهتمام نکرده که باید اهتمام کند و باین ترتیب موضوع واپس به محکمه ابتدایه راجع میشود تا قرار محکمه استیناف (مراغه) را عملی کند. محکمه ابتدایه موضوع و قرار محکمه استیناف را مورد بررسی و مذاقه قرار داده یا به نتیجه دیگری میرسد و یا هم قرار و حکم اولی خویش را مستند به دلایل تأیید میدارد و یا هم حکم محکمه استیناف را قبول و اصدار حکم جدید بااساس استنباطات محکمه استیناف صادر میکند. باز هم در صورتیکه جانبن قبول کردند حکم محکمه ابتدایه (درحالت ما تصمیم کمیسیون مستقل انتخابات) در مدت معین نهایی میشود و اگر نشد موضوع واپس بمرجع بالایی جهت تدقیق بیشتر فرستاده میشود.

فهم من از ارجاع حکم محکمه استیناف خاص انتخابات به کمیسیون مستقل انتخابات توسط فرمان اخیر رئیس جمهور حامد کرزی نیز به همین منوال است تا کمیسیون مستقل انتخابات در تطبیق حکم و قرار محکمه خاص استیناف هرچه زودتر اقدام بدارد.

سوال اینست در صورتیکه کمیسیون مستقل انتخابات و دررأس آقای معنوی این محکمه را از همان آغاز برخلاف نص ماده ۱۲۲ قانون اساسی کشور مشروع نمیداند چطور در زمینه بنا بر حکم این محکمه غیر مشروع به زعم شان اقدام و اجراءت خواهد کرد؟

نمیدانم استقبال جناب معنوی از فرمان رئیس جمهور نحوی از تجاهل عارفانه است و یا بازی های سیاسی که سبب ادامه تراژیدی مردم شده آنرا طولانی ساخته و انستیتوت های دیموکراسی را ازین هم بیشتر در اذهان مردم ما میگویند؟ عین سوال مبنی بر اعمال دیگر متوجه جوانب دیگر قضیه در موارد زیاد دیگر نیز است. من یقین کامل دارم که محکمه خاص استیناف هم از لحاظ امکانات دست داشته نمیتواند و نتوانسته عدالت را تأمین کند. اما منطق پروسیجر چنان است که پیشکش کردم.

نمیدانم درین بازی ها که همه جوانب حلقات قدرت خطا ها و سرتبگي های آزمندانۀ خویش، بازی های غیر مشروع حزبی و سیاسی خویش را بطورصریح دارند سرنوشت مردم ما، سرنوشت اولاد جامعه جهانی، سرنوشت دیموکراسی به کجاء خواهد کشانید؟

و حال که درین مبحث ایم باید گفت که کار پارلمان رسیدگی به قضایای انفرادی و عرایض انفرادی دعاوی حقوقی افراد یعنی که در جنک شرکت خصوصی امنیتی و مردم محل تثبیت زمین اینکه این زمین به دولت تعلق دارد (خیر مؤرخ ۱۵/۰۸/۲۰۱۱ کار کمیسیون های پارلمان) یعنی آنچه هر هفته در وسایل اطلاعات جمعی مبنی به فعالیت کمیسیون های پارلمانی میشوندیم. **کار پارلمان کلید سازی است نه تمرکز به دعاوی انفرادی.**

و حال که درین مبحث ایم باید سوال کرد که آیا پارلمانی که خود مشروعیت اش مورد سوال است تصامیم مشروع گرفته میتواند؟ و یا طرف هم دیگر حاکمیت را یعنی مسؤولین رهبری قوه قضایی را برطرف و سبکدوش اعلام کرده میتواند؟ و حال که درین مبحث ایم چطور ممکن است که وزراء و مسؤولین قضایی و وزرا بصورت دوامدار برای مدت طولانی بحیث سرپرست بوده میتوانند و گویا اراده ملت به تمسخر گرفته میشود؟ این باین معنی است که این پارلمان اراده ملت نیست و یا هم فریبی واضح در کار است؟

اگر این پارلمان کاری میبود، حد اقل تدابیر اخیر پاکستان و فرمان رئیس جمهور پاکستان را مبنی بر برداشتن قدمهای اساسی بخاطر نهایی کردن خط منحوس و تحمیلی دیورند مبنی باساس فرمان آقای زرداری لغو قانون اف سی آر (۱۵/۸/۲۰۱۱) اعتراض میکرد و سفر هیئت پارلمانی افغانی به ریاست محترم محمد یونس قانونی را به پاکستان لغو میکردند. این اقدام پاکستان مبنی بر لغو ایجنسی ها و تابع ساختن آنها بحکومت مرکزی در واقعیت عمل صریح و واضح است که پاکستان خط منحوس دیورند را نهایی میداند و درجانب افغانی کسی نیست که صدای اعتراض خویش را در مورد بلند کند. اصلاح نظام قضایی، اداری و سیاسی سرزمین به عاریت گرفته شده و غصب شده به بهانه مذکور و پیوستن حقوقی و سیاسی آن به اداره مرکزی پاکستان ادامه همان سیاست فریب و اغوای جهانی بیش نیست.

این و دهها چطور ها و چرا ها و اسناد که نشان میدهد دولت افغانستان دولت مردم، برای مردم و درخدمت ارزش های مردم افغانستان نیست. بخش ازین حالت بنابر برخورد های غیر مسلکی و فریبنده خاک به چشم مردم انداختن

و به زعم خویش فریب دادن و تلاش برای ادامه حاکمیت خویش به هر قیمت است. اما مردم فریب نمیخورند و میدانند که در موارد زیاد آب از بالا چرکین و ناصاف است.

راه حل مردمی و راستین بصورت تلگرافی: منحل کردن پارلمان (که باید برای آن مدرک و مجوز حقوقی یافت)، توزیع تذکره های با اعتبار تابعیت افغانی و براه اندازی انتخابات جدید پارلمانی و به تعقیب آن وارد کردن تغییرات و اصلاحات در قانون اساسی و تأمین اراده ملت در مدت زمان شش ماه. قانون اساسی که در آن بر علاوه دیگر توازن بین قوای سه گانه دولت که یکی ممد و نظارت گر دیگر شوند بوجود آید، نظام اداری کشور به نحوی اصلاح شود که فاصله ها بین ملت و دولت رفع گردند. این و دهها مشکل ساختاری در اداره کشور که ضرورت به تغییر و اصلاح دارد.

اما این خواست و آرزو از دو راه ممکن است: یکی با تغییر نظام از داخل نظام و به استناد قوانین نیم بند دست داشته و تحت نظر سازمان ملل متحد و جامعه جهانی و دومی با حرکات انقلابی و نفيه آنچه در ده سال گذشته به پول و قیمت گزاف اما نتایج ناچیز بدست آمده.

هر یک از این دو حل جوانب مثبت و منفی خویش را دارد و درد آور و عذاب دهنده است اما عملاً چاره دیگری وجود ندارد و انتخاب دیگری برای ما نگذاشتند. اینکه افغانستان کدام یک از این دو طریقه را انتخاب خواهد کرد، سوال هائیبست که جواب آنرا زمان خواهد داد و من فعلاً جواب آنرا ندارم. شواهد نشان میدهد وضع کشور به بحران کشانده شده که در نتیجه آقای معنوی سبکدوش و از صحنه برداشته خواهد شد و عده ای هم به محاکمه کشانیده شده. بحران سیاسی در افغانستان مایه گرفته و وضع بیشتر بحرانی شده و به بن بست غیر قابل حل خواهد انجامید.

و اما ای زورمندان و بازیگران قدرت و تشنگان زر و قدرت!

بدانید که مزه مرگ را چشیدنی میباشید. اگر ملت برای مؤقت به گریوان شما رسیده نمیتواند و گریوان شما را گرفته نمیتواند بیقین روز بازپرس خواهد آمد و شما از ذره ذره اعمال خویش نزد پرودگار جوابگو خواهید بود.

هموطنان گرامی و معزز!

برماست از تمام امکانات دست داشته ها با اولویت دادن منافع علیای کشور در تمام سطوح با کار و تلاش صادقانه و مدبرانه بخاطر فشرده شدن و ایجاد پلانفورم ها و حرکات مشترک ملی با یکجا شدن حرکات و حلقهات خورد و بزرگ بخاطر تحقق اهداف مشترک و ختم این تراژیدی ملت و مردم خویش، دفاع از امر صلح و رسیدن به زندگی نورمال و متمدن تلاش های خویش را از هر وقت دیگر بیشتر ساخته و برای خدمت به امر خیر دست بدست هم بدهیم و با قوت بیشتر کار صادقانه نماییم. برماست تا ادای رسالت نموده مردم خویش و جامعه جهانی را از این منجلاب تباه کن رهایی بخشیم.

یادداشت: ارایه مستند بحث حقوقی و پیشکش کردن جزئیات دقیق ایجاب رسیدگی و تحت مذاقه قرار دادن حکم محکمه استئناف، فرمان رئیس جمهور و دیگر قوانین مربوط را میطلبد که ایجاب وقت بیشتر و پُرکردن اوراق زیاد را میطلبد. چیزیکه از حوصله خواننده و پالیسی نشراتی بخش اعظم مراجع نشراتی خارج میشود.

پایان